

## مصارف موقوفات یزد در سده هفتم و هشتم هجری

سید محمدجعفر میرجلیلی

کارشناسی ارشد تاریخ و عضو شورای پژوهشی مؤسسه تحقیقاتی سیمای حقیقت

### مقدمه

در قرن هفتم و هشتم هجری، دو سلسله مهم اتابکان<sup>۱</sup> و آل مظفر<sup>۲</sup> زیر پرچم ایلخانان مغول بر یزد حکومت می‌کردند. اتابکان، از آخرین نفس‌های سلجوقیان تا پایان فرمانروایی ایلخانان، بر یزد حکومت می‌کردند. اما پس از چندی این سلسله دچار تفرقه شد و دربار مغول، آل مظفر را ترجیح داد و اتابکان پس از ۱۷۰ سال جای خود را به آل مظفر دادند. با حکومت آل مظفر در یک سده (هشتم هجری) بیش از صد مدرسه، دویست آرامگاه و خانقاه و دوازده مسجد ساخته شد و موجب رشد فرهنگ وقف شد. علاوه بر توسعه منابع وقف توسط امرا و بزرگان، واقفین بزرگ نیز حمایت شدند. مهم‌ترین منابع ما در بررسی مصارف موقوفات قرن هفتم و هشتم، وقف‌نامه‌های به‌جای مانده از آن عصر به‌ویژه وقف‌نامه‌های «ربع رشیدی» اثر «رشیدالدین فضل‌الهمدانی» و «جامع‌الخیرات»، بزرگ‌ترین وقف‌نامه ایرانی، از «سید رکن‌الدین» و «سید شمس‌الدین یزدی» است.

## مصارف موقوفات غازان خان در یزد

غازان خان<sup>۳</sup>، پس از آنکه مسلمان شد، در گسترش موقوفات سهم مهمی داشت. هرچند هنگام حملات مغول و در ابتدای حکومت ایلخانان، بسیاری از موقوفات توسط فاتحان تصاحب شد ولی در دوران ایلخانان مسلمان از غازان به بعد، بسیاری از اراضی جزء املاک موقوفه شد.<sup>۴</sup>

«رشیدالدین فضل الله» در «تاریخ مبارک غازانی» ضمن شرح موقوفات غازان خان می نویسد: «غازان از جمله برای گنبد عالی مسجد جامع، مدارس، دارالسیاده، رصدخانه، دارالشفاء، بیت الکتب، ملابس بیمارستان، بیت القانون، بیت المتولی، حوضخانهها، گرمابه و جز اینها موقوفاتی در نظر گرفت».<sup>۵</sup>

مصارف موقوفات او دربرگیرنده «مدارس، مساجد، خانقاهها، دارالسیادهها، دارالشفاهها، فرش و طرح و بهاء شمع مذاب و عطر، مصالح حلاوه در شبهای جمعه<sup>۶</sup> و ... بود. به جز مؤسسات همگانی، درآمد و سود موقوفات وی به امور تربیتی و اجتماعی اختصاص یافته بود. از جمله تربیت کودکان سر راهی «اطفالی را که برخی از ضعفا بر درهای بقاع و سر راهها می اندازند، بردارند و دایه به اجرت گیرند که تعهد حال ایشان نمایند<sup>۷</sup>، اگر سبوی غلام یا کنیزی شکست و ترس از مؤاخذه اربابش دارد در عوض خریده و به وی دهند، جهت بیوه زنان درویش که هریک را چهار من پنبه مخلوج در سال بدهند، بر انهار کوچک پل ببندند، پنج نفر معلوم و پنج نفر معید و هرسال صد نفر کودک یتیم را تعلیم قرآن دهند، هر سال دو هزار توپ پوستین خریده به مستحقان رسانند، انواع مرغان که در شش ماه اول زمستان که سرما و برف باشد گندم و گاورس مناصفه بر بام ریزند تا بخورند و هیچ کس آن مرغان نگیرد و هر که قصد ایشان کند در لغت و سخط تعالی باشد و متولی و ساکنان بقاع مانع و معترض نشوند و الا آثم باشند».<sup>۸</sup>

موقوفات غازانی مقدمه موقوفات بعدی امرا و بزرگان شد. موقوفات او در یزد بی شمار بود. «رشیدالدین»، طبیب مشهور و وزیر باکفایت خان مغول نیز در رونق موقوفات بسیار سهم داشت. او به مردم یزد بسیار علاقه مند بود و عروس و داماد او یزدی بودند.<sup>۹</sup>

«خواجه رشیدالدین» در جواب لطف و محبتی که از «مولانا شرفالدین علی» در سفر خود به یزد دید، دستور داد بقعه ای برای او بنا شود؛ اما حکم او وقتی به یزد رسید که خواجه درگذشته



بود. «پس مجدالدین حسین و شمس‌الدین ابوبکر فرزندان مولانا از وجوه مرحمتی رشیدالدین در مقابل مدرسه محمود شاهی، بنای مدرسه و خانقاه گذاشتند و مناری بین خانقاه و مدرسه برپا داشتند و بازاری موسوم به بازار کاغذیان و کاروانسرای»<sup>۱۰</sup>

رقبات رشیدالدین شامل باغ، زمین مزروعی، بستان، کاروانسرا، سهام قنوت «از جمله سهام قنوت، ابرندآباد و نصرت‌آباد و گردفرامرز، چهار شبانه‌روز از مدار قنات قریه بنادک و طزرجان، قنات یعقوبیه و کثویه، قنات سمن و محمودیه، قنات جلیلیه، قنات حاجب‌آباد، قنات بندرآباد، قنات قریه بخت، قنات علائیه، توسط خواجه رشیدالدین وقف شد»<sup>۱۱</sup> خانه، حجره، درخت و گاهی حتی یک ده بوده است.<sup>۱۲</sup> مهم‌ترین مصارف موقوفات رشیدالدین، مدارس و خانقاه‌ها بود.<sup>۱۳</sup>

مزارع متعددی که رشیدالدین برای مدرسه و خانقاه وقف کرده بود، در سال ۱۰۸۲ ق یعنی عصر تألیف «حاج مفیدی» به کلی ویران شده بود.<sup>۱۴</sup> و از جمله املاک وقفی او املاک هرات، مروست و سرچهان بود.

#### موقوفات خواجه شمس‌الدین محمد تازیکو

خواجه، از واقفین سده هفتم هجری است که موقوفات او صرف امور خیریه و مذهبی می‌شد. از جمله مصارف موقوفات خواجه، «مسجد چهل محراب» و «دارالشفاهی» است که در سال ۶۶۶ هجری تأسیس شد.

#### مصارف موقوفات سادات عریضی<sup>۱۵</sup>

در قرن هشتم، یزد پذیرای گروه‌هایی از سادات حسینی منشعب از امام جعفر صادق (ع) بود. آنها دوران سخت و ملامت‌آور حکومت ایلخانان را سپری کردند با وجود این نفوذ موثر خود را در یزد از دست ندادند. از این خانواده، «سید رکن‌الدین» و پسرش «سید شمس‌الدین» چنان مشهور شدند، که از محدوده یزد نیز فراتر رفت.

موقوفات رکن‌الدین صرف امور عمرانی و ساختمانی، اجتماعی، مذهبی و بهداشتی می‌شد و وعظ در مدرسه و مساجد موقوفی او به نشر و گسترش معارف اسلامی کمک می‌کردند.

### مصارف دینی، مذهبی و فرهنگی سید رکن‌الدین

بخشی از عواید موقوفات وی صرف امور دینی شده بود و برای «شب‌های متبرکه بین ماه‌ها و سال‌هایی که فضیلت آنها مشهور است» بهره‌برداری می‌شد. از اعیادی که بخشی از موقوفات صرف آن می‌شد؛ «شب نیمه شعبان هر ساله باید صرف شود مبلغ سی و پنج دینار رایج»، «مخارج روز مولود پیغمبر اکرم (ص) علیه افضل صلوه باید یکصد دینار عین نقد موصوف خرج شود». و مراسم مذهبی، مانند ماه مبارک رمضان، که «باید متولی صرف کند هر ساله مبلغ سیصد دینار عین نقد رایج و سه هزار من غله شب رقیب»، «برای قیمت حلوا و شیرینی برای نمازگزاران در مدرسه صرف شود مبلغ پانزده دینار نقد رایج و ...».

از جمله امور فرهنگی - دینی که واقف قسمتی از موقوفات را برای آن در نظر گرفته بود؛ گسترش معارف اسلامی و آموزش قرآن بود. «خرج شب‌های جمعه، هر شب معادل سی دینار و ثلث دینار غذاهایی برای حفاظ کلام الله مجید که سوره حمد قرآن عظیم را می‌خوانند و کسانی که در مجلس تلاوت قرآن حاضرند».<sup>۱۶</sup>

مصارف دیگر فرهنگی موقوفات وی، ساختن کتابخانه و تعیین مقرری برای کتابدار از قرار «هر سال پانصد من غله» بود. در زمینه گسترش معارف اسلامی هفته‌ای دو روز، روزهای دوشنبه و پنجشنبه باید واعظی در مدرسه «به وعظ مشغول شود و مردم را ارشاد و نصیحت کند و حکمت بیاموزد و موعظه حسنه نماید».<sup>۱۷</sup> و به «طلابی که مشغول تحصیل بوده و عدد آنها نباید از ده نفر تجاوز کند باید ششصد دینار عین رایج موصوف و سه هزار و ششصد من گندم و چاودار بالمناصفه داده شود».



### مصارف آموزشی

واقف بخشی را هم صرف امور آموزشی می‌کرد؛ به گونه‌ای که شاگردان از او کسب فیض می‌کردند و او غیر از امور دینی بر علوم بدنی (احتمالاً طب) نیز آگاه بود. «در صورتی که مدرسه به این وظیفه (تدریس) عمل کند از محصولات موقوفات هر سال مبلغ سیصد و شصت دینار پول عین رایج جدید که هر دینار آن عبارت از شش درهم سلطانی ظلغمی که شماره شده و نقش داشته و مسکوک است بدهند و به علاوه دو هزار من گندم و چاودار به وزن چهارصد درهم به طوری که در یزد معمول است باید به او داد»<sup>۱۸</sup> و برای مقرری درس نیز که آن را دوباره یادآوری می‌کند عوایدی اختصاص داده شده بود.<sup>۱۹</sup> در «مدرسه رکنیه» ده طلبه شبانه‌روزی از علوم زمان بهره می‌بردند. یک استاد و نایب او علوم دینی و طبی و ... را به آنها می‌آموخت و یک کتابدار کتب مورد نیاز آنها را تهیه می‌کرد.

### مدارس

مدرسه نیز یکی از دیگر مصارف فرهنگی وقف بود؛ در واقع هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران نبوده است که سنت مدرسه‌سازی برقرار نباشد، اما متأسفانه اسناد تاریخی که قدمت مدارس را تا قبل از قرن هفتم نشان دهد هنگام یورش مغول و تحولات سیاسی ناشی از آن از بین رفته است. تعداد زیاد مدارس موجب شد یزد در این دوران به «دارالعلم» معروف شود.

در زمان حمله مغول و فرار دانشمندان از گوشه و کنار ایران، انتخاب یزد به عنوان شهری امن و دور از دسترس باعث شد که در بین سال‌های ۶۵۰ تا ۶۸۰ ق نزدیک به پنجاه مدرسه در این شهر کوچک و دورافتاده ساخته شود. از جمله مدارس که بخشی از موقوفات را به خود اختصاص داده بودند، مدرسه «رکنیه»، «کمالیه»، «شاه ابوالقاسم»، «شمسیه» و ... بود.

اولین مدرسه‌ای که در تاریخ مکتوب یزد به آن برمی‌خوریم «دو منار» است که تاریخ ساخت آن در سده ششم (سال ۵۲۳ ق) است. این مدرسه احتمالاً، موقوفاتی نیز داشته است. دومین مدرسه، «ضیائیه» است که تاریخ آن در سال (۶۳۱ ق) است و به «زندان اسکندر» مشهور است. از نظر قدمت، مدرسه «وردان روز» که «وردان روز بن عزالدین لنکر» از اتابکان یزد در عهد

سلجوقیان آن را ساخت نیز دارای اهمیت خاصی است؛ هر چند در منابع موقوفانی برای آن پیدا نشده است، ولی با توجه به اینکه مدارس بزرگ ایران در آن عصر دارای موقوفانی بوده، این مدرسه نیز به احتمال زیاد وقفیاتی داشته است. «رکن‌الدین یزدی»، نهر آبی را که به خانه استادش «شیخ محمد یعقوب» برد، از این مدرسه گذراند.<sup>۲۰</sup> مدرسه «محمود شاهیه» از دیگر مدارس قرن هفتم است که توسط محمودشاه ساخته شد و همسرش «ترکان خاتون» آن را کامل کرد.<sup>۲۱</sup> از مهم‌ترین مدارس یزد در قرن هشتم مدرسه «رکنیه» (ام‌البقاع مدارس یزد)<sup>۲۲</sup> است که به گفته «جعفری» «در هیچ دیاری مثل آن نیست.» در وقف‌نامه «جامع‌الخیرات» بزرگ‌ترین وقف‌نامه ایران از نظر اطلاعات، آمده است:

«منها المدرسه الرفیعه المسماه، بالرکنیه التی داخل البلده فی محله مدعوه بباب الوساده بجنب المدرسه المحمود، شاهیه مع ما یتبعها من الرصد ... و المدرسه مشتمله علی قبه عالیه مبتنیه صدر الصفه الکبیره التی وقفها علی ان یکون مدفناً لاولاده واحفاده و من هو من نسله و عقبه اللهم الا مقداراً معیناً من وسط القبه فانه قد استثناء لیکون مرقداً له عند حلول احبه و انقطاع امله».

رکن‌الدین، این مدرسه را در محله‌ای موسوم به «باب‌الوساده» ساخت و وصیت کرد پس از مرگش مدفن او باشد. «رکن‌الدین» هدف خود را از وقف و مصارف آن در فصلی جداگانه از کتاب «جامع‌الخیرات» می‌آورد. مدرسه «رکنیه» یک مرکز مذهبی، تربیتی، بهداشتی و درمانی شبانه‌روزی بود<sup>۲۳</sup> که فعالیت‌های نجومی (رصد ستارگان) نیز در آن انجام می‌شد.<sup>۲۴</sup>

### مصارف اجتماعی

مصارف اجتماعی وقف، برای پوشاک زنان محتاج و مستحق که در خانه نشسته‌اند، مبلغ پنجاه دینار و برای کفن مرده‌های فقیر مسلمان اعم از زن و مرد معادل دویست دینار نقد رایج همه ساله در نظر گرفته می‌شد. مصارفی نیز برای فقراء و مساکین مکه و مدینه اختصاص یافته بود. قسمتی از آن صرف خرید کوزه‌هایی می‌شد که به‌دست اطفال مسلمان می‌شکست. پختن آتش و غذا هر روز برای فقرای مدرسه «رکنیه» و «اطعام فقراء» از دیگر مصارف موقوفه «رکنیه» بود.<sup>۲۵</sup> علاوه بر موقوفاتی که برای مدارس بود، بخشی از عایدات خانقاه‌ها نیز صرف اطعام مساکین می‌شد.



### مصارف خانقاه‌ها

شرایط حاکم بر ایران صوفی‌گری را در قرن هفتم و هشتم هجری گسترش داد. این دو قرن در تاریخ تصوف ایران جایگاه مهمی دارد<sup>۲۶</sup> و خانقاه‌ها مکانی برای گردهمایی عرفا، در این دوران تأسیس شد و املاک فراوانی وقف آن شد. در «جامع‌الخیرات» وظایف متصدی خانقاه به شرح زیر آمده است:

«متصدی امر در آن خانقاه یک شیخ متعبد و صالح معین کند که طالبان راه ایمان و مسترشدان را به راه‌های عرفان ارشاد کند و آنها را از حوائج نفسانی دور نگه دارد و به مراتب و مقام انسانیت نزدیک سازد».<sup>۲۷</sup>

خادم خانقاه باید به مسافری خدمت می‌کرد و آشپز برای مسافران غذا می‌پخت و در اعیاد و مراسم مذهبی، خدمات رفاهی خانقاه به‌ویژه اطعام مسافران بر خدمات دیگر افزوده می‌شد. افزون بر آن در خانقاه علوم مختلف زمان نیز آموزش داده می‌شد. بعضی از این خانقاه‌ها مجموعه بودند و تأسیساتی داشتند.<sup>۲۸</sup> تعداد آنها در اواخر قرن نهم بیش از چهل خانقاه بود.<sup>۲۹</sup> برخی از این خانقاه‌ها در کنار مسجد ساخته می‌شد، از جمله آنها خانقاه «پورحسین دامغانی» بود که کنار مسجدی با همین نام ساخته شد.<sup>۳۰</sup>

### امور بهداشتی - درمانی

از مراکز بهداشتی و درمانی وقفی دارالشفاهای بودند. در دارالشفاهای طبیبی طبابت می‌کرد و داروخانه‌ای کنار آن قرار داشت که داروی بیماران را از عواید موقوفات تهیه می‌کرد. بیماران می‌توانستند در دارالشفاء مدرسه «رکنیه» استراحت کنند. «و هر بیمار سرپایی که فقط محتاج به دارو و معجون و چیزهایی دیگر باشد باید طیب مقدار و نوع داروی مورد احتیاج او را یادداشت کند و نسخه بدهد و برای این کار سیصد و شصت من غله موصوفه مصرف می‌شد».<sup>۳۱</sup>

بیمارستان مجتمع «رکنیه» را یک پزشک، چند پرستار و یک نفر خازن دارالادویه (داروگر) اداره می‌کرد و داروگر مطابق دستور پزشک به بیماران داروی رایگان می‌داد.<sup>۳۲</sup>

### راه‌سازی و امور رفاهی

ساختن کاروانسرا برای رفاه حال مسافری و زائرین اهمیت زیادی داشت. از اماکنی که در قرن هشتم وقفیات فراوانی داشت، کاروانسراها بود. اهمیت زیاد کاروانسرا در ایمن‌سازی راه‌ها و رفاه حال زائرین و مسافران در آن زمان بر کسی پوشیده نیست و ساخت کاروانسراها تا جایی بود که در «ربع رشیدی جامع‌الخیرات» به بیش از صد باب آنها اشاره شده است؛ به گونه‌ای که در قرن هشتم هجری کمتر شهری به اندازه یزد، کاروانسرا، بازار و حانوت دارد.<sup>۳۳</sup>

نگهداری راه‌ها موجب گسترش بازرگانی شد و کالاهای یزدی تا هندوستان راه یافت. با امنیت راه‌ها، کشاورزی نیز رونق گرفت. مهم‌ترین و سودآورترین محصول کشاورزی درخت توت بود که «علاوه بر میوه توت، در صنعت ابریشم نیز از آن استفاده می‌شد».<sup>۳۴</sup>

### کتابخانه‌ها

کتابخانه نیز یکی از دیگر امور وقفی در قرن هشتم بود. کتابخانه‌ها بیشتر در کنار مساجد یا مدارس و وابسته به آنها بود. یکی از آنها، کتابخانه مدرسه «امیر آخور» است. «امیر آخور» این کتابخانه را همراه با مسجد و مدرسه‌ای در سال ۷۲۹ق، ساخت و آن را وقف طلاب علوم دینی کرد.<sup>۳۵</sup> برای کتابخانه مدرسه «شمسیه» نیز موقوفاتی بود.<sup>۳۶</sup> کتابخانه مدرسه «غیاثیه» که «امیر غیاث‌الدین محمود بن قطب‌الدین سلیمان شاه» ساخته بود نیز موقوفاتی داشت و از موقوفات کتابخانه «رشیدیه» یزد «بازار کاغذیان» بود.<sup>۳۷</sup> و بخشی از عواید این بازار صرف این کتابخانه می‌شد.

### مساجد

از مساجدی که در قرن هشتم ساخته شده است، مسجد «ریگ» است. «معین‌الدین اشرف داماد سید شمس‌الدین» آن را ساخته است. «نهری از آب جدید بر آن جاری کرد و دکانی چند متقارب آن بر آن وقف کرد». مسجد «اهرستان» از دیگر مساجدی است که در این قرن «معین‌الدین جلال حافظ»، نویسنده «تاریخ مواهب الهی» آن را ساخت.





مسجد «چهار منار» را نیز «امیر جلال‌الدین خضرشاه»، ساخت و حق آب باغ‌ها و اراضی در اهرستان و تفت وقف آن بود. از مصارف وقف این مسجد، وظیفه طلاب علوم و مرسوم حفاظ بود.<sup>۳۸</sup>

شاه یحیی در سال ۷۷۷ق بخشی از مسجد جامع جدید را مرمت کرد و با درآمد خود، درگاه و جماعت‌خانه‌ای ساخت. پیکره اصلی این مسجد را نیز «رکن‌الدین» در همین سال ساخت. این مسجد زیلوهایی نیز وقف آن بود.

### مصارف بقعه‌ها

بقعه‌ها نیز بخشی از مصارف موقوفات بود. بقعه «شیخ احمد فهادان» و «شیخداد» از بقعه‌های معروف آن عصر بود. «شیخ احمد و برادرش محمد از مردم اسفنجر و مشغول به پیشه شومالی بوده‌اند که به علت ظلم و ستم عامل آن آبادانی از موطن خود هجرت کرده و به یزد آمدند و در محله فهادان سکنی گزیدند و این هر دو برادر از عرفا و مورد احترام بسیار مردم بوده‌اند و در کتب تاریخی یزد کراماتی چند به فخرالدین احمد نسبت داده شده است. وفات شیخ احمد را در سال ۷۲۷ق و وفات برادرش را سال ۷۳۵ق نوشته‌اند.<sup>۳۹</sup>

بقعه «شیخداد» ابتدا خانقاه «شیخ تقی‌الدین دادا محمد» بود. «شیخ تقی‌الدین» همانجا به خاک سپرده شد.<sup>۴۰</sup>

مؤلف «کتابچه موقوفات یزد» درباره او می‌نویسد: «شیخ بزرگواری از اهل دارالسلطنه اصفهان مدتی در آن بلده به ارشاد عباد مشغول بوده پس از چندی تشریف‌فرمای دارالعباده شده، سلسله مظفریه دست ارادت به ایشان داده، مادام الحیاة به لوازم ارادت کوشیده، بسیاری از مردم هم به همین اعتقاد راسخ بودند و موقوفات بسیار داشته و مصارف آن نیز معلوم نیست».<sup>۴۱</sup>

«ایرج افشار» به طاسی بزرگ در این بقعه اشاره می‌کند که «محمد اسماعیلی» نامی وقف آنجا کرده است تا «آب در آن ریزند و بیاشامند و یاد لب تشنه اباعبدالله الحسین نمایند».

### امامزاده‌ها

در قرن هشتم موقوفاتی به امامزاده جعفر اضافه شد. در سال ۷۷۶ق «خواجه اسحاق بن خواجه حسن ساورج خوارزمی» سقایه‌ای روبه‌روی امامزاده جعفر ساخت و «امیر صدرالدین» وزیر نیز زمینی کنار امامزاده خرید و به صحن آن افزود.

### دارالسیاده‌ها

دارالسیاده‌ها فقط برای علویان بود. در «جامع‌الخیرات» آمده است: «هر سال مبلغ ۳۷۵ دینار، میان ۵ دختر فقیر و شوی نرفته از علویان تقسیم شود، افزون بر این هر سال مبلغ ۴۰۰ دینار برای پوشاک زمستانی و ۲۰۰ دینار برای پوشاک تابستانی علویان بی‌بضاعت و دیگر فقرا در نظر گرفته شده بود».<sup>۴۲</sup>

### مصارف موقوفات معین‌الدین اشرف

«معین‌الدین اشرف بن شرف‌الدین حسین نیز از سادات عریضی و داماد سید شمس‌الدین بن رکن‌الدین یزدی» است که در تاریخ یزد آثار همگانی بسیاری در امور وقف به او نسبت داده‌اند، از آثار او مدرسه «کوچه حسینیان»<sup>۴۳</sup>، «ساباط امامزاده محمد بن علی»، محراب کاشی بقعه «شیخ احمد فهادان»، قنات «معین‌آباد» و مناره «مزار شیخ جمال‌الاسلام» است.<sup>۴۴</sup> «کتابچه موقوفات یزد»، مسجد جامع «سراب نو را»، از بناهای او می‌داند و موقوفات آن را سهام آب «بندرآباد»، «ابرنده‌آباد»، «یعقوبی» و «موریاباد»، برمی‌شمارد.<sup>۴۵</sup>

### نتیجه

مصارف موقوفات یزد در سده هفتم و هشتم هجری، پیرو شرایط عمومی آن دوران بود و به مصارف اجتماعی، فرهنگی، دینی، آموزشی و خیریه تقسیم می‌شد. عواید موقوفات صرف مساجد، خانقاه‌ها، مدارس، دارالشفاه، دارالسیاده‌ها، کتابخانه‌ها، کاروانسراها، بقعه‌ها و امامزاده‌ها می‌شد. موقوفات شغل‌آفرینی می‌کرد. به‌گونه‌ای که در یک مدرسه تعدادی خدمت می‌کردند و از

عواید وقف به گذران زندگی، خود و خانواده کمک می‌کردند. مهم‌ترین واقفین این عصر «سادات عریضی» و «خوانین محلی» بودند.

گسترش خدمات دینی و فرهنگ اسلامی، و رونق کتابخانه‌های عمومی عمران اماکن متبرکه و مساجد، خدمات بهداشتی و درمانی و خیرات و مبرات، ظریف‌ترین نشانه‌های همکاری اجتماعی، نوع‌دوستی، همبستگی، خودیاری و خدمات سودمند اجتماعی و همه نشانی از نیت پاک و صادقانه واقفین یزدی در این عصر بود.

مصارف موقوفات یزد به دو بخش اصلی خاص و عام تقسیم می‌شد. مصارف خاص برای یک بنا یا شخص و براساس یک نیت خاص بود و مصارف عام، امور خیریه و مؤسسات همگانی بود. بیشترین اطلاعات ما از مصارف موقوفات قرن هفتم و هشتم از املاک و تأسیسات وقفی ثروتمندان و اعیان آن دوره است. بی‌گمان مردم عادی نیز موقوفاتی داشتند لیکن اسنادی از آن موقوفات در دست نیست ولی می‌توان حدس زد موقوفاتی نیز از طرف طبقه خرد جامعه بوده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. اتابکان از سلسله‌های محلی ایران بودند که میان سال‌های ۵۹۰ تا ۷۱۸ قمری در یزد حکومت کردند.
۲. نگاه کنید به: میرحسینی، محمدحسن، یزد از ظهور تا سقوط آل مظفر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما، شیرین بیانی، تهران، دانشکده ادبیات، ۱۳۷۲.
۳. ستوده حسینی، تاریخ آل مظفر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴، ۷۰۳-۶۹۴ ق/۱۳۰۴-۱۲۹۵ م.
۴. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات روزبهان، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۶۳.
۵. راوندی، مرتضی، همان، ج ۴، ص ۷۶۳.
۶. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، تاریخ مبارک غازانی، تصحیح کارل یال، ستفن آوستین، هونفورد، ۱۹۴۰ م، ص ۴۸.
۷. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین محمد، حبیب السیر، تصحیح محمد دبیر سیاقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۵۵، ج ۳، ص ۱۰۸.
۸. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، همان، ص ۴۸.
۹. مکاتبات رشیدی، ص ۲۸ به نقل از افشار، ایرج، رشیدالدین فضل‌الله و یزد، یزدنامه، جلد اول، تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۹۲.
۱۰. افشار، ایرج، همان مأخذ، ص ۲۸۸.
۱۱. در مورد وقف قنوات رک. به: همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، وقف‌نامه ربع رشیدی، به کوشش مجتبی مینوی، ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶، ص ۸۹، ۹۰، ۹۷، ۹۵، ۹۲، ۷۶، ۷۵، ۶۸، ۷۷، ۶۶، ۴۷، ۷۰، ۶۲ و ...



۱۲. همدانی، رشیدالدین، همان مأخذ، صفحات متعدد.
۱۳. جهت اطلاع از خانقاه‌های خواجه رشیدالدین ر.ک. به: کیانی، محسن، تاریخ خانقاه در ایران، تهران، کتابخانه طهوری، ص ۱۵.
۱۴. مستوفی بافقی، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، ج ۳، تهران، کتابفروشی اسدی، بی تا، ص ۱۴۹.
۱۵. سادات عریضی از قرن پنجم در یزد مقیم بودند و از نسل ابوجعفر محمد بن علی بن عبیدالله هستند که به امامزاده جعفر معروف است و مقبره وی زیارتگاه عموم است.
۱۶. سید رکن‌الدین یزدی، جامع‌الخیرات، ترجمه جعفر غضبان، یزد، اداره حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۶۵، ص ۲۸.
۱۷. همان، ص ۲۵.
۱۸. همان، ص ۲۴.
۱۹. همان، ص ۲۶.
۲۰. جعفری، جعفر بن محمد بن حسن، تاریخ یزد، تصحیح ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳، ص ۸۷.
۲۱. همان، ص ۲۶.
۲۲. همان، ص ۸۲.
۲۳. رکن‌الدین یزدی، همان، ص ۲۷.
۲۴. جعفری، همان، ص ۱۰۱.
۲۵. از اطعام فقراء و مساکین در صفحات متعدد جامع‌الخیرات و در ذیل فعالیت مؤسساتی از قبیل مدارس، خانقاه‌ها، کاروانسراها، دارالسیاده‌ها و ... سخن به میان آمده است.
۲۶. از جمله مشایخ یزد در عصر اتابکان شیخ تقی‌الدین عمر، شیخ علی بن ایمان، شیخ احمد فهادان، سید روح‌الله حیدر، شیخ جمال‌الاسلام، شیخ جلیل، شیخ فریدالدین عبدالباقی، حاجی صدرالدین، مولانا فخرالدین، سید تاج‌الدین جعفر و شیخ شکور و ... را می‌توان نام برد که بعضی از آنها خانقاه نیز داشتند و امرا عوایدی از موقوفات خود را به خانقاه آنها تخصیص دادند. به‌عنوان نمونه می‌توان از خانقاه شیخ علی بنیمان نام برد که امیر ترمش حاکم یزد املاکی را در خانقاه او وقف کرد. ر.ک. به جعفری، همان، ص ۱۴۱.
۲۷. رکن‌الدین یزدی، همان، ص ۱۲۲.
۲۸. ر.ک. به: افشار، ایرج، خانقاه‌های یزد، یزدنامه، ج ۲، تهران، انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵ و جعفری همان، ص ۱۵۴.
۲۹. افشار، ایرج، خانقاه‌های یزد، یزدنامه، ج ۲، ص ۱۸۴ و نگاه کنید به افشار، ایرج، یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۳۹۵.
- جعفری، همان، ص ۱۱۲، ۸۷ و کاتب یزدی، همان، ص ۱۲۹.
۳۰. کاتب یزدی، همان، ص ۱۱۸.
۳۱. بخشی از مصارف موقوفات به مصالح کارکنان دالشفاء، داروها، معجون‌ها و قرص‌ها، جوشاندنی‌ها و فرش برای بیماران و طیب و کارگران تخصیص یافته بود. ر.ک. به: جامع‌الخیرات، ص ۳۰.
۳۲. رکن‌الدین یزدی، جامع‌الخیرات، ص ۲۸.
۳۳. استانداری یزد، یزد نگین کویر، چاپ اول، یزد، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، زمستان ۱۳۷۵، ص ۶۹.
۳۴. افشار، ایرج، کشاورزی یزد در قرن هفتم، یزدنامه، ج ۱، ص ۲۹۷.

۳۵. آیتی، عبدالحسین، *آتشکده یزدان* (تاریخ یزد)، یزد، گلبهار، ۱۳۱۷، ص ۲۵۹.
۳۶. کاتب، احمد بن حسین بن علی، *تاریخ جدید یزد*، تصحیح ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳، ص ۱۲۹.
۳۷. کاتب، احمد بن حسین بن علی، همان، ص ۱۳۵.
۳۸. مستوفی بافقی، همان، ج ۱، ص ۱۸۷.
۳۹. افشار، ایرج، *یادگارهای یزد*، جلد ۲، ص ۳۴۶، با تلخیص.
۴۰. افراد سلسله دارائیه مورد احترام سلاطین آل مظفر و دارای موقوفات مفصل و معتبر بوده‌اند و موقوفات آنها تا اواخر عهد صفوی به‌عنوان موقوفات دادائیه شهرت داشت. جهت اطلاع بیشتر ر.ک. به ایرج افشار، یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۳۵۰ و مستوفی بافقی، همان، ج ۳، ص ۳۲۷، ۸۵۸، ۵۸۸، ۶۶۰، ۷۵۹.
۴۱. طراز یزدی، عبدالوهاب، *کتابچه موقوفات یزد*، به کوشش ایرج افشار، یزدنامه، ج ۲، شماره ۴۱، تهران، ۱۳۷۷، ص ۵۶.
۴۲. رکن‌الدین یزدی، همان، ص ۱۰۷.
۴۳. پدرش اشرف‌الدین حسین در سال ۷۲۶ هجری قمری آنرا بنا کرد و معین‌الدین مسجد را تکمیل نمود. ر.ک. به: جعفری، همان، ص ۱۰۰.
۴۴. افشار، ایرج، *یادگارهای یزد*، ج ۲، ص ۱۹۱، پاورقی.
۴۵. طراز یزدی، عبدالوهاب، *کتابچه موقوفات یزد*، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۰، ۱۳۴۱، ص ۳۷.